

وضعیت اشتغال پذیری دانش‌آموختگان دانشگاه فنی و حرفه‌ای از منظر معاونان فرهنگی و دانشجویی

رضا مهدی^۱ و احمد کیخا^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۸/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۵/۱۳

DOI: 10.22047/ijee.2020.208878.1698

چکیده: تجهیز دانشجویان و دانش‌آموختگان به انواع شایستگی‌ها و مهارت‌های نرم و سخت برای موفقیت در بازار کار و ارتقای سطح اشتغال‌پذیری آنها یکی از معیارهای ارزیابی کیفیت نظام آموزش عالی به‌ویژه دانشگاه‌های نسل سوم و کارآفرین است. با توجه به اهمیت اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان، این پژوهش با هدف تحلیل سطح اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان دانشگاه فنی و حرفه‌ای به روش آمیخته شامل پیمایش کمی و تحلیل محتوای کیفی انجام شد. جامعه آماری پژوهش ۱۰۷ تن از معاونان فرهنگی و دانشجویی آموزش‌دیده‌ها و دانشکده‌های فنی و حرفه‌ای بودند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه محقق‌ساخته، اقتباس شده از پرسشنامه «دی‌وس و سوئنز» (۲۰۰۸) و برای تحلیل داده‌های کمی از آماره‌های توصیفی و آزمون تی استفاده شد. براساس یافته‌های پژوهش، اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان دانشگاه فنی و حرفه‌ای از دیدگاه جامعه آماری در سطح مطلوب ارزیابی می‌شود. در بخش دوم، راهکارهای ارتقای سطح اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان دانشگاه فنی و حرفه‌ای بررسی شد. براساس تحلیل دیدگاه‌های جامعه آماری، ۵ مقوله اصلی، ۱۳ مقوله فرعی و ۱۰۸ کد و مفهوم کلیدی برای ارتقای سطح اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان دانشگاه فنی و حرفه‌ای استخراج و دسته‌بندی شدند. با به‌کارگیری راهکارهای پیشنهادی در این پژوهش نظیر بازنگری در برنامه‌های درسی و متناسب‌سازی آنها با نیازهای بازارکار، آمایش آموزش عالی و تأسیس و توسعه آموزش‌دیده‌ها و دانشکده‌ها براساس آن، تجهیز زیرساخت‌ها و به‌روزرسانی کارگاه‌ها و آزمایشگاه‌ها، ترویج فرهنگ کارآفرینی و پُررنگ کردن نقش رشته‌های فنی و حرفه‌ای، تعامل مستمر با صنعت، برگزاری اثربخش دوره‌های کارآموزی و حمایت مادی و معنوی از دانش‌آموختگان دانشگاه فنی و حرفه‌ای برای راه‌اندازی کسب‌وکار، می‌توان سطح اشتغال‌پذیری این دانش‌آموختگان را تا حد زیادی ارتقا داد.

واژگان کلیدی: اشتغال‌پذیری، دانش‌آموختگان، آموزش عالی فنی و حرفه‌ای، رویکرد قابلیت‌ها

۱- عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).
mahdi002@gmail.com

۲- دانشجوی دکتری آموزش عالی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. a.keikha@ut.ac.ir

۱. مقدمه

پژوهشگران مختلفی نظیر تاملینسون (Tomlinson, 2012) درباره ادبیات و مفهوم اشتغال‌پذیری مطالعه و تحلیل کرده‌اند. در سطح جهان، آموزش مهارت‌های اشتغال‌پذیری در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در پرتو پیوندهای بین رشد اقتصادی و نیروی کار ماهر به همراه رشد سریع دانش‌آموختگانی که وارد بازار کار می‌شوند، رواج پیدا کرده است. همچنین بین اشتغال (کسب یک شغل) و اشتغال‌پذیری (تجهیز دانشجویان از طریق آموزش‌های دانشگاهی به دانش موضوعی و سایر ویژگی‌ها برای استخدام شدن در صورت وجود داشتن فرصت‌های شغلی در بازار کار یا شرایط خوداشتغالی و نظایر آن) تفاوت وجود دارد. از این رو، نمی‌توان گفت که تمام فرصت‌های شغلی دانش‌آموختگان به دانشگاه‌ها وابسته است و برعکس، باید در پی شناخت این موضوع بود که چه جنبه‌هایی از فرصت‌های اقتصادی-اجتماعی می‌توانند و باید در دانشگاه‌ها و نهادهای آموزش عالی معرفی و مشتعل شوند (Walker & McLean, 2013).

آمارها و مطالعات نشان می‌دهد که با گسترش آموزش عالی در دو دهه اخیر، نرخ بیکاری (کاهش اشتغال‌پذیری) دانش‌آموختگان دانشگاهی از نرخ بیکاری عمومی کشور بیشتر شده است. به طوری که بر اساس سالنامه آماری سال ۱۳۹۰ مرکز آمار ایران، نرخ بیکاری عمومی ۱۲٫۳ درصد و این نرخ برای دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی حدود ۱۵٫۳ درصد بوده است (Darvishan et al., 2019). همچنین بر اساس مطالعات دفتر ارتباط با صنعت و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در سال ۱۳۹۸ سطح اشتغال در دوره‌های کاردانی (عمدتاً آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و مهارتی) ۵۹٫۸ درصد، دوره‌های کارشناسی ۵۲٫۹ درصد، دوره‌های کارشناسی ارشد ۶۳٫۶ درصد و دوره‌های دکتری ۸۱٫۶ درصد بوده است (MSRT, 2019). به علاوه، بر اساس آمارهای مرکز آمار ایران، نرخ بیکاری دانش‌آموختگان در سال ۱۳۹۷ در کل کشور ۱۸٫۳ درصد با جمعیتی بالغ بر ۱٫۴ میلیون نفر بود که بسیار بیش از نرخ بیکاری عمومی در کشور (حدود ۱۲ درصد) است. بنابراین، توجه به اشتغال و اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان دانشگاهی یکی از دغدغه‌های اصلی نظام آموزش عالی کشور (حتی کشورها) و اشتغال دانش‌آموختگان یکی از معیارهای اصلی مقایسه و رتبه‌بندی دانشگاه‌های جهان است. پژوهش و مطالعه در ابعاد اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان یکی از محورهای کلیدی نظام آموزش عالی، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی است که تا حد زیادی در دو دهه اخیر از آن غفلت شده است.

در گزارش وزیر علوم، تحقیقات و فناوری به رئیس‌جمهور (تابستان ۱۳۹۹) آمده است که «یکی از راهبردهای اصلی این وزارتخانه در دوره جدید، افزایش برنامه‌های مهارت‌افزایی و اشتغال‌پذیری در مقاطع تحصیلی کارشناسی بوده است. این راهبرد در تعیین آینده شغلی دانش‌آموختگان و تصدی مسئولیت‌های مبتنی بر صلاحیت‌های حرفه‌ای نقش بارزی خواهد داشت. همچنین وزیر تأکید کرده

است که یکی از شاخص‌های راهبرد اشتغال‌پذیری، ارزیابی و رصد دایمی و پایش وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان است. بر اساس استانداردهای جهانی در هر سال باید وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان چهار سال پیش پایش شود. این پایش از سال ۱۳۸۷ آغاز شده است.

در پی رکودهای بزرگ به وجود آمده در سراسر جهان، آموزش عالی فنی و حرفه‌ای به یک راه حل فنی-سیاسی برای تعدیل نرخ بیکاری تبدیل شده است، چرا که ارتباط تنگنگی میان مهارت‌های ارائه شده توسط نهادهای آموزش عالی فنی و حرفه‌ای و مهارت‌های مورد نیاز کارفرمایان وجود دارد. (Korber & Oesch, 2019). بنابراین، از آموزش عالی فنی و حرفه‌ای به عنوان راهی برای برون‌رفت از بحران بیکاری یاد می‌شود و بسیاری از کشورها با ظرفیت‌سازی نرم و سخت و سرمایه‌گذاری بیشتر در خصوص آموزش عالی فنی و حرفه‌ای و مهارتی علاوه بر کاهش نرخ بیکاری و تأمین نیروی انسانی متخصص، به دنبال افزایش رقابت‌پذیری بین‌المللی هستند.

امروزه، با توجه به انبوه دانش‌آموختگان بیکار و جویای شغل، دانش‌آموختگان نظام آموزش عالی ایران به‌ویژه دانشگاه‌های مهارت‌بنیان از جمله دانشگاه فنی و حرفه‌ای با توجه به تأکید سیاست‌ها و چشم‌اندازهای کشور بر تولید ملی و حرکت به سمت اقتصاد دانش‌بنیان، می‌توانند در پیشرفت همه‌جانبه کشور نقش راهبردی ایفا کنند. از این رو، پرداختن به مسئله اشتغال دانش‌آموختگان به یک نیاز مبرم در مطالعات آموزش عالی تبدیل شده است. علی‌رغم ضرورت و اهمیت مسئله، پژوهش‌های اندکی درباره اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان انجام شده است. هدف این پژوهش، بررسی سطح اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان دانشگاه فنی و حرفه‌ای از طریق پاسخگویی تفصیلی به دو سؤال زیر بود. پاسخگویی به سؤالات پژوهش و بررسی سطح اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان دانشگاه فنی و حرفه‌ای به روش آمیخته (پیمایش کمی بر اساس پرسشنامه محقق‌ساخته و تحلیل محتوای کیفی دیدگاه‌های ۱۰۷ تن از معاونان فرهنگی و دانشجویی) انجام شده است.

۱. ارزیابی معاونان فرهنگی و دانشجویی از سطح اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان دانشگاه فنی و حرفه‌ای چیست؟

۲. از منظر معاونان فرهنگی و دانشجویی چه راهکارهایی برای ارتقای سطح اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان دانشگاه فنی و حرفه‌ای وجود دارد؟

بنابراین، مسئله اصلی این پژوهش کاوش در اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان فنی و حرفه‌ای از منظر معاونان فرهنگی و دانشجویی بود، با این تحلیل که معاونان فرهنگی و دانشجویی به دلیل دغدغه اجتماعی و ارتباط تنگاتنگ با دانشجویان و دانش‌آموختگان و محیط اجتماعی-سیاسی پیرامون، برداشت و تحلیل منصفانه‌ای از وضعیت کار و زندگی دانشجویان و دانش‌آموختگان دارند و در مواجهه با آموزش و پژوهش معمولاً از سوگیری‌های مرسوم به دور هستند.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

اکنون شرایط اشتغال در بازارکار با بی‌ثباتی همراه است. چنین شرایطی مسیرها و انتظارات شغلی را در آینده با ابهام مواجه ساخته است (Cortellazzo et al., 2019; Hofstetter & Rosenblatt, 2017; Briscoe et al., 2012). در این میان، بررسی تاریخی دانشگاه‌ها نشان می‌دهد که آنها از رهگذر خلق و به اشتراک‌گذاری دانش به اقتصاد زیست‌بومی که در آن جای گرفته، کمک کرده‌اند. اشتراک دانش دانشگاه‌ها به صورت پرورش دانش‌آموختگانی با توانمندی‌ها در زمینه‌های اقتصادی-اجتماعی است (Bridgstock., 2019; Boden & Nevada, 2010). به همین دلیل، اشتغال دانش‌آموختگان به موضوعی جهانی در قلمرو رشته‌های تحصیلی گوناگون دانشگاهی تبدیل شده است (Lord et al., 2019; Jackson, 2014; Pavlin & Svetlik, 2014; Kalfa & Taksa, 2015; Bridgstock, 2018). بنابراین، ظرف سی سال اخیر نقش دانشگاه‌ها در زمینه اشتغال دانش‌آموختگان با دقت بیشتری بررسی شده است، چرا که همبستگی محکمی میان تجربه‌های (آموخته‌های) آموزشی با نیازهای اقتصادی در سراسر جهان وجود دارد (Smith & McAlpine, 2018). دانش و مهارت‌های کسب شده به‌مثابه محرک رشد در اقتصادهای دانش‌بنیان در کشورهای پیشرفته شناخته می‌شوند (Australian Industry Group, 2019). نقش سنتی نظام‌های آموزش عالی در سال‌های اخیر دستخوش دگرگونی شده است و بسیاری از دانشگاه‌ها حرکت به سمت اثرگذاری بر اشتغال دانش‌آموختگان خود را از رهگذر روش‌های گوناگون نظیر ایجاد فرصت‌های شغلی در بازار کار، کارآفرینی (ارزش‌آفرینی)، ظرفیت‌سازی اقتصادی برای اشتغال دانش‌آموختگان و نظایر اینها شروع کرده‌اند (Etzkowitz, 2016).

اشتغال دانش‌آموختگان مفهوم چندبعدی، میان‌رشته‌ای و پیچیده‌ای است که ارائه تعریف همگرا و واحد از آن دشوار است (Boden & Nevada, 2010; Tsitskari et al., 2017). در تعاریف اولیه از اشتغال دانش‌آموختگان بر نتایج اشتغال؛ یعنی گرفتن شغل بعد از پایان تحصیلات دانشگاهی و همچنین حفظ آن یا انتقال به یک کار جدید تأکید شده است

(Azevedo et al., 2012; Aamodt & Havnes, 2008). اما با توجه به آنکه اشتغال و بیکاری ممکن است تحت تأثیر عوامل گوناگونی نظیر چرخه اقتصادی قرار گیرد، در تحقیقات اخیر مفهوم اشتغال دانش‌آموختگان به‌مثابه ویژگی‌های فردی بازتعریف شده است (Azevedo et al., 2012; Yorke & Knight, 2007). یورک (Yorke, 2006) مهارت‌های اشتغال را مهارت‌های نرم نامیده است که به‌مثابه مجموعه‌ای از دستاوردها، مهارت‌ها، ادراکات و ویژگی‌های شخصی معرفی می‌شوند و موجب موفقیت دانش‌آموختگان در یافتن مشاغل بیشتر و مشاغل منتخبی می‌شود که به نفع فرد، جامعه و اقتصاد است. کنفدراسیون صنعت بریتانیا (۱۹۹۹) اشتغال‌پذیری را کیفیت و شایستگی مورد نیاز برای پاسخگویی به نیازهای در حال تغییر کارفرمایان و مشتریان و در نتیجه، کمک به تحقق آرمان‌ها و ظرفیت‌های خود در محل کار تعریف کرده است (Entezari, 2017). در واقع، اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان مبین طیف گسترده‌ای از

انواع دانش، مهارت و ویژگی‌های شخصی است (Cranmer, 2006). هرچند دانشگاه‌ها نمی‌توانند هر کاری را به‌منظور کسب شغل برای دانشجویان خود انجام دهند، این استدلال نیز مطرح می‌شود که دانشگاه‌ها می‌توانند کار بزرگی در تنظیم منابع نظیر یاددهی-یادگیری، ترویج اخلاق و ارزش‌ها، تشویق و ترغیب مشارکت فعالانه در فوق برنامه‌های درسی و پرکردن «شکاف‌های» سرمایه اجتماعی به‌منظور تقویت اشتغال‌پذیری فردی دانشجویان، حتی در شرایطی که بازار کار و سیاست‌های عمومی ممکن است محدودیت‌زا باشند، انجام دهند. در حالی که اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان تحت تأثیر طیف وسیعی از عوامل و ذینفعان است، دانشگاه‌ها همچنان در تقویت اشتغال‌پذیری و تجهیز و آماده‌سازی دانشجویان به دانش، مهارت‌ها، ارزش‌ها و اعتماد و اطمینان به شناسایی و خلق فرصت‌های زیاد برای ایجاد شغل نقش حیاتی دارند؛ به عبارتی، هرچند اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان به معنای آن نیست که دانشگاه‌ها باید به «هرکاری» دست بزنند تا دانش‌آموختگان آنها بتوانند به شغل یا مشاغل مد نظر دست یابند، اما بدین معنا هم نیست که «هیچ‌کاری» که دانشگاه‌ها بتوانند برای اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان خود انجام دهند، وجود ندارد (Walker & McLean, 2013). امروزه، با ظهور اقتصاد دانش‌بنیان، دانشگاه‌ها زیر فشار زیادی به‌منظور تربیت دانش‌آموختگان اشتغال‌پذیر قرار گرفته‌اند، چرا که اشتغال‌پذیری به‌عنوان یک هدف فراگیر برای سیاست‌های منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی به‌دلیل توجه به بحران بیکاری است (Barani & Alibeigi, 2009). اشتغال‌پذیری اصولاً از طریق پیشرفت و کاربرد دانش حاصل می‌شود و در نتیجه، توسعه و گسترش آموزش عالی برای خلق، انتشار و کاربرد دانش و ایجاد ظرفیت‌های فنی و حرفه‌ای و مهارت‌افزایی ضروری است. اگر نظام‌های آموزش عالی کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای در حال گذار، یادگیرندگان را با توجه به نیاز واقعی خود تعلیم ندهند و مهارت‌های لازم را به آنها نیاموزند، در رقابت مبتنی بر دانش و اقتصاد دانش‌بنیان کنار گذاشته یا ناچیز شمرده می‌شوند (Salehi Omran & Rahmani, 2013). درویشان و همکاران (Darvishan et al., 2019) در پژوهشی برای طراحی الگوی مهارت‌های اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان آموزش عالی به این نتیجه رسیدند که از دید فعالان بازار هفده مهارت به‌عنوان مهارت‌های اصلی مورد نیاز دانش‌آموختگان برای ورود به بازار کار و فعالیت در آن وجود دارد. پوراتاشی (Por Atashi, 2018) در مطالعه‌ای به ارزیابی نقاط قوت و راهکارهای ارتقای اشتغال‌پذیری دانشجویان کشاورزی پرداخت و نقاط قوت دانشگاه را در سه دسته شامل نیروی انسانی، امکانات و تجهیزات و پشتیبانی برشمرد. افزون بر این، وی براساس تحلیل محتوا، راهکارهای ارتقای مهارت‌های اشتغال‌پذیری دانشجویان کشاورزی را در سه مقوله اصلی آموزش، تعاملات و خدمات و هشت مقوله فرعی شامل محتوای درسی، کیفیت بخشی آموزش، دانش و یادگیری، ارتباطات فردی، ارتباطات

سازمانی، مشاوره، فرهنگی و پشتیبانی دسته‌بندی کرده است. سپهوند و همکاران (Sepahvand et al., 2018) درباره تأثیر جهت‌گیری و برنامه‌ریزی مسیر شغلی متنوع بر اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان آموزش عالی بررسی کردند و نتایج تحقیق حاکی از تأثیر مثبت جهت‌گیری مسیر شغلی متنوع بر برنامه‌ریزی مسیر شغلی و همچنین تأثیر مثبت برنامه‌ریزی مسیر شغلی بر سرمایه‌های مسیر شغلی (انسانی، اجتماعی و روانشناختی) بود.

نادری و همکاران (Naderi et al., 2016) در واکاوی اشتغال‌پذیری دانشجویان زن با استفاده از پرسشنامه محقق‌ساخته به این نتیجه رسیدند که سهم مؤلفه مهارت‌های ارزیابی بیش از سایر ابعاد سازه اشتغال‌پذیری است. دانشجویان در مؤلفه‌های مهارت‌های عمومی، مهارت حل مسئله، مهارت‌های عددی، مهارت‌های ارزیابی و یادگیری توسعه شغلی از توانمندی مطلوبی برخوردارند، اما مؤلفه معرفی خود به کارفرما به‌طور معنادار پایین‌تر از حد مطلوب ارزیابی شده است. بیگدلی و همکاران (Beigdeli et al., 2012) در خصوص رابطه رشته تحصیلی با وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که بین رشته تحصیلی، اشتغال و تناسب شغلی رابطه معنادار وجود دارد. روتول و همکاران (Rothwell et al., 2009) در بررسی خودادراکی اشتغال‌پذیری دانشجویان دوره کارشناسی ارشد در نتایج خود چهار مؤلفه کلیدی شامل شهرت دانشگاه، اعتماد به نفس فردی، عوامل بازار کار و تعامل با رشته و عملکرد دانشگاهی را برشمردند. سینگ و سینگ (Singh & Singh, 2008) در پژوهشی مهارت‌های اشتغال دانش‌آموختگان در مالزی را بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که کارفرمایان بیشتر تمایل دارند دانش‌آموختگان دانشگاه‌های دولتی را استخدام کنند. والکر (Walker, 2015) در مطالعه چهار دانشگاه کشور آفریقای جنوبی دریافت که میزان سرمایه اجتماعی و فرهنگی، فرصت‌های دانشجویان را محدود یا بیشتر می‌کند و به‌ویژه آنکه بر دانشجویان طبقه کارگر تأثیر می‌گذارد. همبستگی میان ابعاد سرمایه اجتماعی در هر یک از دانشگاه‌های مورد مطالعه روشن کرد که تفسیر محدود از اشتغال‌پذیری به‌مثابه سرمایه انسانی، دانشجویان به حاشیه رانده شده را نادیده می‌گیرد و مزیت آنها را پنهان می‌کند.

۳. روش پژوهش

با توجه به هدف پژوهش، این پژوهش از نظر نوع، کاربردی و روش آن آمیخته (پیمایش کمی براساس پرسشنامه محقق‌ساخته و تحلیل محتوای کیفی دیدگاه‌های جامعه آماری) بود. جامعه آماری شامل تمام معاونان فرهنگی و دانشجویی ۱۷۶ آموزشکده و دانشکده فنی و حرفه‌ای در سراسر کشور بود که از میان آنها ۱۰۷ نفر در این تحقیق مشارکت داشتند و به‌صورت اختیاری پرسشنامه تحقیق را تکمیل کردند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه محقق‌ساخته در دو بخش کمی و کیفی استفاده و برای طراحی پرسشنامه تحقیق از پرسشنامه دی وس و سوئنز (De Vos & Soens, 2008) اقتباس شد.

پرسشنامه دارای چهار گزاره (گویه) به شرح جدول ۱ بود.

جدول ۱. گویه‌های پرسشنامه تحقیق

۱	دانش‌آموختگان دانشگاه فنی و حرفه‌ای در مقایسه با دانش‌آموختگان سایر دانشگاه‌ها راحت‌تر می‌توانند شغل مورد علاقه خود را به دست آورند.
۲	دانش‌آموختگان دانشگاه فنی و حرفه‌ای به راحتی می‌توانند شغلی را که با تحصیلات و مهارت‌های خود مرتبط است، به دست آورند.
۳	دانش‌آموختگان دانشگاه فنی و حرفه‌ای قادرند شغلی را به دست آورند که سطح بالایی از رضایت آنها را تأمین کند.
۴	دانشجویان دانشگاه فنی و حرفه‌ای در دوره تحصیل به حد کفایت به توانایی‌ها و مهارت‌های ضروری برای کسب شغل مناسب مجهز می‌شوند.

روایی پرسشنامه را خبرگان آموزش عالی (چهار استاد دانشگاه در رشته‌های علوم تربیتی و فنی-مهندسی) تأیید کردند و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ در سطح ۰٫۸۷ تأیید شد. گزینه‌های پاسخ بسته پرسشنامه بر مبنای طیف لیکرت (عدد یک به شدت مخالفم، عدد دو مخالفم، عدد سه نظری ندارم، عدد چهار موافقم و عدد پنج کاملاً موافقم) درجه‌بندی شد. برای تحلیل داده‌های کمی پژوهش از آماره‌های توصیفی و آزمون تی استفاده شد. در بخش دوم پرسشنامه (بخش تشریحی) راهکارهای پیشنهادی اعضای جامعه آماری (معاونان فرهنگی و دانشجویی مشارکت‌کننده در این پژوهش) برای افزایش سطح اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان دانشگاه فنی و حرفه‌ای اخذ و در ادامه، پیشنهادها و نظرهای معاونان فرهنگی و دانشجویی، پس از تحلیل محتوای کیفی در مفاهیم و مقوله‌های اصلی و فرعی، طبقه‌بندی و ارائه شد (جدول ۸).

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. سطح اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان

بر اساس گویه‌های پرسشنامه، سطح اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان در چهار مؤلفه شامل الف) سهولت کسب شغل توسط دانش‌آموختگان دانشگاه فنی و حرفه‌ای در مقایسه با سایر دانشگاه‌ها، ب) راحتی و سهولت کسب شغل مرتبط با تحصیلات و مهارت‌های تحصیلی توسط این دانش‌آموختگان، ج) کسب شغل با سطح بالایی از رضایت شغلی از سوی این دانش‌آموختگان و د) کفایت دوره‌های تحصیلی برای تجهیز این دانش‌آموختگان به توانایی‌ها و مهارت‌های ضروری برای کسب شغل مناسب بررسی و تحلیل شد. در ادامه این مؤلفه‌ها تشریح شده است.

الف) سهولت کسب شغل توسط دانش‌آموختگان دانشگاه فنی و حرفه‌ای در مقایسه با سایر دانشگاه‌ها نظرهای جامعه آماری در خصوص پرسش «راحتی و سهولت کسب شغل مورد علاقه توسط دانش‌آموختگان» به شرح جدول ۲ است.

جدول ۲. تحلیل راحتی به‌دست آوردن شغل مورد علاقه (گویه اول پرسشنامه)

طیف پاسخ	فراوانی نظرها	درصد فراوانی
به‌شدت مخالفم	۹	۸/۴۱
مخالفم	۲	۱/۸۷
نظری ندارم	۲	۱/۸۷
موافقم	۵۲	۴۸/۶۰
کاملاً موافقم	۴۲	۳۹/۲۵
جمع کل	۱۰۷	۱۰۰

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که بالاترین فراوانی پاسخ اعضای جامعه آماری مربوط به گزینه چهارم (موافقم) با ۴۸/۶۰ درصد است. بنابراین، می‌توان گفت که در وضعیت فعلی دانش‌آموختگان دانشگاه فنی و حرفه‌ای اشتغال‌پذیری راحت‌تری نسبت به دانش‌آموختگان سایر دانشگاه‌ها دارند که دلیل آن را می‌توان در انطباق‌پذیری مهارت‌ها با نیازهای متغیر بازار کار بیان کرد. برخلاف قاطبه رشته‌های دانشگاهی، آموزش عالی فنی و حرفه‌ای همسویی بیشتری با نیازهای بازار کار دارد و از این رو، جذب دانش‌آموختگان دانشگاه فنی و حرفه‌ای با سهولت بیشتری انجام می‌شود. بدیهی است با سرمایه‌گذاری بیشتر در انواع آموزش‌های فنی و حرفه‌ای علاوه بر کمک به رفع مسائل و مشکلات کشور و تأمین نیروی انسانی متخصص، از هدررفت منابع مالی و انسانی کشور جلوگیری می‌شود.

ب) راحتی و سهولت کسب شغل مرتبط با تحصیلات و مهارت‌های تحصیلی توسط دانش‌آموختگان دانشگاه فنی و حرفه‌ای

نظریهای جامعه آماری در پاسخگویی به پرسش «راحتی و سهولت کسب شغل مرتبط با تحصیلات و مهارت‌های تحصیلی توسط دانش‌آموختگان دانشگاه فنی و حرفه‌ای» به شرح جدول ۳ است.

جدول ۳. تحلیل راحتی و سهولت کسب شغل مرتبط با تحصیل و مهارت‌های تحصیلی

طیف پاسخ	فراوانی نظرها	درصد فراوانی
به‌شدت مخالفم	۱۰	۹/۳۵
مخالفم	۱۰	۹/۳۵
نظری ندارم	۶	۵/۶۱
موافقم	۵۹	۵۵/۱۴
کاملاً موافقم	۲۲	۲۰/۵۶
جمع کل	۱۰۷	۱۰۰

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که بالاترین فراوانی پاسخ اعضای جامعه آماری مربوط به گزینه چهارم (موافقم) با ۵۵٫۱۴ درصد است. این یافته نشان از همسویی مطلوب آموزش عالی فنی و حرفه‌ای کشور با نیازهای بازار کار دارد که با به‌روزرسانی و هماهنگی بیشتر می‌توان از این آموزش‌ها بهره بیشتری برد. همان‌گونه که نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد، پس از گزینه موافقم، نظرهای بیشتر جامعه آماری به گزینه «کاملاً موافقم» بوده است که این اجماع حداکثری تصدیقی بر کارآمدی آموزش عالی فنی و حرفه‌ای است.

ج) کسب شغل با سطح بالایی از رضایت شغلی از سوی دانش‌آموختگان دانشگاه فنی و حرفه‌ای نظرهای جامعه آماری در خصوص پرسش «کسب شغل مرتبط با سطح بالایی از رضایت شغلی توسط دانش‌آموختگان دانشگاه فنی و حرفه‌ای» به شرح جدول ۴ است.

جدول ۴. تحلیل کسب شغل با سطح بالایی از رضایت شغلی (گویه سوم پرسشنامه)

درصد فراوانی	فراوانی نظرها	طیف پاسخ
۶/۵۴	۷	به شدت مخالفم
۱۲/۱۵	۱۳	مخالفم
۲۶/۱۷	۲۸	نظری ندارم
۴۰/۱۹	۴۳	موافقم
۱۴/۹۵	۱۶	کاملاً موافقم
۱۰۰	۱۰۷	جمع کل

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که بالاترین فراوانی پاسخ اعضای جامعه آماری مربوط به گزینه چهارم (موافقم) با ۴۰٫۱۹ درصد است. طبیعتاً زمانی که انتخاب رشته و مهارت به شکل هدفمند و مهارت‌های آموزشی با شغل مد نظر همسو باشد، رضایت خاطر بیشتری برای جویندگان و دارندگان شغل فراهم می‌سازد و رضایت شغلی یکی از مهم‌ترین عوامل در افزایش بازدهی و کارایی و ایجاد نگرش مثبت در فرد در خصوص محیط پیرامون، زندگی و کار است و بر فرد تأثیر بسزایی دارد. بنابراین، باید سیاست‌هایی برای هدایت هدفمند دانش‌آموزان در انتخاب رشته به سمت رشته‌های فنی و حرفه‌ای از طریق راهنمایی‌ها و مشاوره‌های تحصیلی و فرهنگ‌سازی در جامعه در خصوص ماهیت و اهمیت اثرگذاری این رشته‌ها صورت گیرد.

د) کفایت دوره‌های تحصیلی برای تجهیز دانش‌آموختگان دانشگاه فنی و حرفه‌ای به توانایی‌ها و مهارت‌های ضروری برای کسب شغل مناسب

نظرهای جامعه آماری در خصوص پرسش «کفایت دوره‌های تحصیلی فنی و حرفه‌ای برای تجهیز این دانش‌آموختگان به توانایی‌ها و مهارت‌های ضروری برای کسب شغل مناسب» به شرح جدول ۵ است.

جدول ۵. تحلیل کفایت دوره‌های تحصیلی در مهارت‌افزایی برای کسب شغل مناسب

درصد فراوانی	فراوانی نظرها	طیف پاسخ
۷/۴۸	۸	به شدت مخالفم
۲۰/۵۶	۲۲	مخالفم
۸/۴۱	۹	نظری ندارم
۵۴/۳۱	۵۸	موافقم
۹/۳۵	۱۰	کاملاً موافقم
۱۰۰	۱۰۷	جمع کل

نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد که بالاترین فراوانی پاسخ افراد جامعه آماری مربوط به گزینه چهارم (موافقم) با ۵۴٫۳۱ درصد است. بنابراین، آموزش عالی فنی و حرفه‌ای از نظر کفایت مهارت‌افزایی نیز در وضعیت مطلوبی قرار دارد.

ه) سطح اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان دانشگاه فنی و حرفه‌ای برای ارزیابی سطح اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان دانشگاه فنی و حرفه‌ای کشور (پاسخگویی جامع به پرسش اصلی پژوهش) از آزمون آماری تی استفاده و نتایج آن به شرح جداول ۶ و ۷ ارائه شده است.

جدول ۶. نتایج آزمون تی درباره سطح کلی اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان دانشگاه فنی و حرفه‌ای

خطا	انحراف معیار	میانگین	تعداد	آزمون تی
۰/۹۳۴۲	۹۶۶۳۹	۳/۶۴۷۲	۱۰۷	آزمون تی

جدول ۷. نتایج آزمون تی درباره سطح کلی اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان دانشگاه فنی و حرفه‌ای

	آزمون = ۳					
	میزان تفاوت درونی (۹۵٪)		معنی‌دار	درجه آزادی	تی	آزمون تی
	بالاترین	پایین‌ترین				
	۸۳۲۴	۴۶۲۰	۶۴۷۲۰	۰/۰۰۱	۱۰۶	۶/۹۲۷

با توجه به نتایج جداول ۶ و ۷، میانگین نظرهای جامعه آماری درخصوص اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان دانشگاه فنی و حرفه‌ای بیش از ارزش آزمون و میانگین دیدگاه‌های ۸۴ نفر از اعضای جامعه بیش از ۴ است. همچنین براساس آزمون تی تک نمونه‌ای (جدول ۷)، سطح اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان دانشگاه فنی و حرفه‌ای معنادار است و در سطح مطلوب ارزیابی می‌شود. چنین گزاره‌ای می‌تواند نوید شگفت‌انگیزی در زمینه سرمایه‌گذاری دولت و ملت در آموزش عالی فنی و حرفه‌ای و مهارتی کشور باشد. لازم است این سرمایه‌گذاری‌ها روند افزایشی داشته باشد و از سطح «مقدار بحرانی» عبور کند تا سرمنشأ تأثیرات شگرف در توسعه و پیشرفت کشور شود.

۴-۲. راهکارهای ارتقای سطح اشتغال پذیری دانش‌آموختگان دانشگاه فنی و حرفه‌ای در پاسخگویی به سؤال دوم پژوهش مبنی بر شناسایی راهکارهای ارتقای سطح اشتغال پذیری دانش‌آموختگان دانشگاه فنی و حرفه‌ای از منظر جامعه آماری تحقیق، نظرهای مکتوب افراد به روش تحلیل محتوای کیفی استخراج، تحلیل و در قالب مفاهیم و مقوله‌های اصلی و فرعی به شرح جدول ۸ دسته‌بندی و براساس این تحلیل ۵ مقوله اصلی، ۱۳ مقوله فرعی و ۱۰۸ مفهوم کلیدی استخراج شد.

جدول ۸. راهکارهای ارتقای اشتغال پذیری دانش‌آموختگان دانشگاه فنی و حرفه‌ای از منظر جامعه آماری تحقیق

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی	مفاهیم کلیدی
ظرفیت‌سازی	ظرفیت‌های سخت ظرفیت‌های نرم	توسعه ظرفیت‌ها و قابلیت‌های دانشگاه / توسعه فرهنگ کارآفرینی در جامعه و دانشجویان / تجهیز امکانات کارگاه‌ها / تعمیر و به‌روزرسانی امکانات / به‌روزرسانی زیرساخت‌های فناورانه / ایجاد مشوق‌هایی در جامعه برای حرکت به سمت کارآفرینی
پشتیبانی و مشاوره	حمایت‌های مالی حمایت‌های آموزشی	برگزاری کارگاه‌های کارآفرینی / آماده‌سازی فرم‌های نظرسنجی برای درک شرایط بازار / پایش سالانه درک شرایط بازار / برگزاری دوره‌های تخصصی برای استادان دروس فنی برای ارتقای دانش نظری و عملی آنها / تشویق دانشجویان به ثبت ایده و اختراع / شناسایی مراکز صنعتی محل کار دانش‌آموختگان و نظرسنجی از رضایت مدیران و انتشار نتایج آن به مراکز صنعتی دیگر / شناسایی مخترعان و خلاقان از میان دانشجویان و حمایت از آنها / تعیین بودجه‌ای برای کشف استعدادها / توازن بخشی به کلیه واحدهای اداری در خدمات‌رسانی بیشتر به دانشجویان / برگزاری مسابقات فنی و حرفه‌ای به صورت سالانه / راه‌اندازی مراکز نوآوری و ایده‌پردازی / برگزاری شوها و دعوت از سرمایه‌گذاران و صاحبان مشاغل برای آشنایی با ایده‌ها / کسب مهارت از طریق فنون تحلیل فرصت‌های کسب‌وکار برای دانشجویان و اعضای هیئت علمی / اعطای وام‌های خوداشتغالی / شناسایی و معرفی آموزش عالی به جامعه / معرفی توانمندی دانش‌آموختگان به جامعه / بازتعریف و تعیین جایگاه مراکز رشد در حمایت از دارایی‌های فکری دانشجویان / تهیه کلیپی از زندگی دانش‌آموختگان موفق / فعال کردن انجمن‌های علمی دانشجویی / دعوت از دانشجویان موفق در عرصه کارآفرینی برای همکاری با واحدهای پژوهشی و انجمن‌ها / توجه بیشتر به حضور دانشجویان در مراکز صنعتی / ایجاد بانک اطلاعاتی از دانش‌آموختگان شاغل / بازدید دانشجویان از مراکز صنعتی / اعطای بورس تحصیلی به دانشجویان در صنعت / برگزاری دوره‌های بازآموزی و توانمندسازی / اعطای وام به پروژه‌های زودبازده / برگزاری جلسات تخصصی با صاحب‌نظران صنعتی / بازدید از نمایشگاه‌های تخصصی / معرفی مشاغل مرتبط به صورت الکترونیکی و انیمیشن / تداوم ارتباط دانش‌آموختگان با دانشگاه / برگزاری دوره‌های ضمن خدمت برای اعضای هیئت علمی / تهیه برنامه‌هایی برای آشنایی دانشجویان با بازارکار

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی	مفاهیم کلیدی
اشتغال‌آفرینی	ارتباط با صنعت توسعه قراردادهای همکاری	<p>ایجاد ارتباط میان دانشجویان و شرکت‌های دانش‌بنیان / ایجاد دفاتر ارتباط با صنعت در دانشکده‌ها/ ایجاد مراکز کارپایی/ شناساندن قابلیت‌های دانش‌آموختگان از نظر فنی و مهارتی و معرفی آنها به صنعت/ انعقاد تفاهمنامه بین دانشگاه و صنعت برای هدایت دانش‌آموختگان/ تقویت پژوهش‌های کاربردی/ تدوین سیاست‌هایی در درون دانشگاه در زمینه ارتباط با صنعت/ راه‌اندازی کارهای تولیدی شراکتی با سرمایه‌گذاری از طرف صنعت و تأمین نیرو از طرف دانشگاه/ تسهیل فرایند دسترسی دانش‌آموختگان و معرفی آنها به پارک‌های علم و فناوری/ تشکیل گروه‌های کوچک در راه‌اندازی اشتغال و کارآفرینی/ انعقاد قرارداد با شرکت‌ها و کارخانه‌های غیردولتی برای جذب دانش‌آموختگان/ به‌کارگیری دانش‌آموختگان به صورت امریه در مراکز صنعتی/ ایجاد فرصت برای فروش دستاوردهای دانشجویی با همکاری سازمان‌ها/ ایجاد سازوکارهایی برای تکمیل زنجیره تولید از ایده تا بازار</p>
حکمرانی	سیاستگذاری مدیریتی- اجرایی	<p>جذب دانشجویان بر اساس برنامه‌های آمایش سرزمین/ تغییر شیوه‌های جذب دانشجویان و جذب دانشجویان با رتبه‌های بهتر علمی/ تخصص‌گرایی در جذب اعضای هیئت علمی و به‌کارگیری استادان مجرب/ تخصصی کردن دانشکده‌ها/ نظارت صحیح بر فعالیت‌های کارآفرینی دانشجویان/ تکمیل مهارت‌های دوره‌های کاردانی/ تصمیم‌سازی به شکل مشارکتی/ توجه به کیفیت به جای کمیت/ هدایت تحصیلی و مشاوره‌ای برای انتخاب رشته/ افزایش حق‌التدریس مدرسان مهارت‌محور/ شبکه‌سازی و ارتباط با سایر دانشگاه‌ها/ تبدیل دوره‌های کاردانی پیوسته به کارشناسی پیوسته/ بومی‌سازی پذیرش دانشجویان/ نیازسنجی و برنامه‌ریزی اجرایی دوره‌های آموزشی متناسب با تحولات بازارکار/ طراحی الگوی تأمین مالی برای ادامه فعالیت دانش‌آموختگان/ ایجاد فضای رقابتی سالم در دانشکده‌ها/ تعدیل سن بازنشستگی/ اصلاح قوانین دست‌وپاگیر اداری/ استفاده از نیروهای بومی در پروژه‌های شهری/ ارتقای کیفیت آموزش/ بازنگری در نظام ارزشیابی/ افزایش بودجه دانشکده‌ها/ توانمندسازی دانشجویان بر اساس گروه‌های تخصصی- شغلی</p>

۵. نتیجه‌گیری

بین اشتغال (به مفهوم به‌دست آوردن یک شغل مناسب) و اشتغال‌پذیری (به معنای تجهیز دانشجویان از طریق آموزش‌های دانشگاهی به دانش موضوعی و سایر ویژگی‌ها برای استخدام شدن در صورت وجود داشتن فرصت‌های شغلی در بازار کار یا شرایط خوداشتغالی) تمایز ماهوی وجود دارد. واقعیت آن است که دانشگاه‌ها نمی‌توانند برای اشتغال دانش‌آموختگان خود به انحای مختلف اقدام کنند، اما می‌توانند اقدامات مؤثری در ساماندهی یاددهی- یادگیری، ترویج اخلاق و ارزش‌ها، تشویق و ترغیب مشارکت مسئولانه دانشجویان در برنامه‌های اجتماعی- فرهنگی و پرکردن «شکاف‌های» سرمایه اجتماعی به منظور تقویت اشتغال‌پذیری انجام دهند. اشتغال‌پذیری تحت تأثیر طیف وسیعی از عوامل و ذینفعان است و دانشگاه‌ها همچنان در تقویت اشتغال‌پذیری و تجهیز و آماده‌سازی دانشجویان نقش حیاتی دارند. مفهوم اشتغال‌پذیری به معنای آن نیست که دانشگاه‌ها برای اشتغال دانش‌آموختگان خود به «هرکاری» دست بزنند، اما انتظار می‌رود که آنها برای اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان خود با تقویت آموزش، پژوهش و تعاملات گسترده و بی‌وقفه با جامعه و صنعت تلاش کنند.

در این پژوهش بر اساس جدول ۲، دانش‌آموختگان دانشگاه فنی‌وحرفه‌ای اشتغال‌پذیری راحت‌تری نسبت به دانش‌آموختگان سایر دانشگاه‌ها دارند. دلیل آن، انطباق‌پذیری مهارت‌ها با نیازهای متغیر بازار کار است و آموزش عالی فنی‌وحرفه‌ای همسویی بیشتری با نیازهای بازار کار دارد. به علاوه، نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که دانش‌آموختگان دانشگاه فنی‌وحرفه‌ای با راحتی و سهولت شغل مرتبط با تحصیلات و مهارت‌های تحصیلی خود را به‌دست می‌آورند. بر اساس جدول ۴، دانش‌آموختگان دانشگاه فنی‌وحرفه‌ای شغل خود را با سطح بالایی از رضایت شغلی کسب می‌کنند. زمانی که انتخاب رشته و مهارت به شکل هدفمند و مهارت‌های کسب شده با شغل مد نظر همسو باشد، رضایت خاطر بیشتری برای جویندگان و دارندگان شغل فراهم می‌شود. همچنین نتایج جدول ۵ مبین آن است که دوره‌های فنی‌وحرفه‌ای برای تجهیز دانش‌آموختگان به توانایی‌ها و مهارت‌های ضروری برای کسب شغل مناسب کفایت می‌کند؛ به‌عبارتی، آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای از منظر کفایت مهارت‌افزایی در وضعیت مطلوبی ارزیابی می‌شود.

به‌علاوه، مطابق جداول ۶ و ۷ امکان اشتغال و به‌دست آوردن شغل مناسب توسط دانش‌آموختگان دانشگاه فنی‌وحرفه‌ای در سطح مطلوبی ارزیابی می‌شود. یافته‌های این پژوهش گویای تأیید اشتغال مطلوب دانش‌آموختگان و اجماع خوب در میان معاونان فرهنگی و دانشجویی در خصوص مطلوبیت وضعیت اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان دانشگاه فنی‌وحرفه‌ای و به‌تبع آن، کیفیت خوب این نوع آموزش‌هاست. بر مبنای آزمون آماری (جدول ۷)، سطح اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان دانشگاه فنی‌وحرفه‌ای در سطح مطلوبی ارزیابی می‌شود. نتایج این پژوهش عموماً با نتایج پژوهش‌های کلارک (Clark, 2013)، سینگ و همکاران (Singh et al., 2013)، درویشان و همکاران (Darvishan et al., 2019)

و شریفی و همکاران (Sharifi et al., 2019) در تأکید بر مهارت‌های نرم و سخت و مهارت‌های شناختی و غیرشناختی همسو است.

بر اساس تحلیل و جمع‌بندی نظرهای اعضای جامعه آماری در چهار مقوله اصلی ظرفیت‌سازی نرم و سخت، پشتیبانی و مشاوره، اشتغال‌آفرینی و حکمرانی، راهکارهای مناسبی برای ارتقای سطح اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان دانشگاه فنی و حرفه‌ای کشور وجود دارد (جدول ۸). این راهکارها در مقوله اصلی ظرفیت‌سازی شامل توسعه ظرفیت‌ها و قابلیت‌های دانشگاه، توسعه فرهنگ کارآفرینی در جامعه و دانشجویان، تجهیز امکانات کارگاه‌ها، به‌روزرسانی امکانات و زیرساخت‌های فناورانه و ایجاد مشوق‌هایی در جامعه برای حرکت به سمت کارآفرینی است. مقوله اصلی پشتیبانی و مشاوره شامل حمایت‌های علمی-آموزشی، مالی و خدماتی است. این حمایت‌ها شامل برگزاری کارگاه‌های کارآفرینی، آماده‌سازی فرم‌های نظرسنجی برای درک شرایط بازار، پایش سالانه درک شرایط بازار، برگزاری دوره‌های تخصصی برای استادان دروس فنی، تشویق دانشجویان به ثبت ایده و اختراع، شناسایی مراکز صنعتی محل کار دانش‌آموختگان، شناسایی دانشجویان خلاق و نوآور، برگزاری مسابقات فنی و حرفه‌ای، راه‌اندازی مراکز نوآوری و نظایر اینهاست (جدول ۸).

مقوله اصلی اشتغال‌آفرینی در دو حیطه ارتباط با صنعت و توسعه قراردادهای همکاری می‌تواند دربردارنده راهکارهای مؤثری نظیر ایجاد ارتباط بین دانشجویان و شرکت‌های دانش‌بنیان، ایجاد دفاتر ارتباط با صنعت در دانشکده‌ها، ایجاد مراکز کاریابی، شناساندن قابلیت‌های دانش‌آموختگان، انعقاد تفاهمنامه بین دانشگاه و صنعت برای هدایت دانش‌آموختگان، تقویت پژوهش‌های کاربردی، راه‌اندازی کارهای تولیدی شراکتی با صنعت، معرفی افراد به مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری و نظایر اینها باشد. مقوله اصلی حکمرانی شامل سیاستگذاری و مدیریت-اجرا، از عناصر و مفاهیم متعددی شامل جذب دانشجویان بر اساس برنامه‌های آمایش سرزمین، تغییر شیوه‌های جذب دانشجویان، تخصص‌گرایی در جذب اعضای هیئت علمی، نظارت صحیح بر فعالیت‌های کارآفرینی دانشجویان، تکمیل مهارت‌های دوره‌های کاردانی، تصمیم‌گیری مشارکتی، کیفیت‌گرایی، هدایت تحصیلی و... تشکیل شده است.

۶. پیشنهادهای سیاستی و پژوهشی

با کاربردی و به‌کارگیری تمام یا بخش‌هایی از راهکارهای ارتقای اشتغال‌پذیری به شرح جدول ۸ می‌توان سطح اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان دانشگاه فنی و حرفه‌ای را به سطحی فراتر از سطح موجود ارتقا داد. به‌علاوه، بر اساس یافته‌های این مطالعه پیشنهادهایی برای سیاستگذاران، برنامه‌ریزان و مجریان نظام آموزش عالی فنی و حرفه‌ای به شرح زیر ارائه می‌شود. با به‌کارگیری این پیشنهادها شانس، احتمال، امکان و زمینه اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان دانشگاه فنی و حرفه‌ای می‌تواند بیش

از پیش افزایش یابد:

۱. بازنگری در برنامه‌های درسی فنی و حرفه‌ای و متناسب‌سازی آنها با نیازهای بازار کار با تمرکز ویژه بر ارتقای انواع صلاحیت‌ها، مهارت‌ها و قابلیت‌های تخصصی و عمومی؛
 ۲. توجه به برنامه‌های آمایش آموزش عالی در تأسیس و توسعه آموزشگاه‌ها و دانشکده‌ها و جذب دانشجویان و ایجاد رشته‌های جدید؛
 ۳. تخصیص بودجه دولتی بیشتر به آموزشگاه‌ها و دانشکده‌های فنی و حرفه‌ای و تجهیز زیرساخت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری آنها به‌ویژه تجهیز و به‌روزرسانی کارگاه‌ها و آزمایشگاه‌ها؛
 ۴. ترویج تدریجی فرهنگ کارآفرینی در سطح جامعه، مدارس و خانواده‌ها و پررنگ کردن نقش رشته‌های مهارتی و فنی و حرفه‌ای در توسعه کشور؛
 ۵. تعامل مستمر با صنعت و مراکز صنعتی به شکل انعقاد قرارداد همکاری و برگزاری دوره‌های کارآموزی برای دانش‌آموختگان این دانشگاه؛
 ۶. حمایت مالی مستمر از دانش‌آموختگان برای راه‌اندازی کسب‌وکار مرتبط با رشته تحصیلی؛
 ۷. توسعه فعالیت‌های فرهنگی - اجتماعی و نهادهای فرهنگی دانشجویی نظیر کانون‌ها، تشکل‌ها، انجمن‌ها و نشریات.
 ۸. تأسیس دفاتر راهنمایی حرفه‌ای و شغل‌یابی دانشجویان و دانش‌آموختگان در آموزشگاه‌ها و دانشکده‌های فنی و حرفه‌ای.
- همچنین براساس نظرهای جامعه آماری تحقیق و یافته‌های پژوهش برخی از موضوعات پژوهشی به شرح زیر پیشنهاد می‌شود:
۱. پژوهش درباره علل و دلایل نبود تمایل جدی دولت (حتی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری) برای سرمایه‌گذاری در آموزش‌های مهارتی و فنی و حرفه‌ای به‌رغم اشتغال‌زا و زودبازده بودن این آموزش‌ها؛
 ۲. تحقیق درباره علل بی‌رغبتی (یا کم‌علاقگی) جوانان (دانش‌آموزان) مستعد برای ادامه تحصیل در رشته‌های فنی و حرفه‌ای؛
 ۳. مطالعه مقایسه‌ای میان سطح اشتغال‌پذیری رشته‌های فنی و حرفه‌ای و سایر رشته‌های دانشگاهی به‌ویژه رشته‌های فنی - مهندسی و رشته‌های علوم انسانی؛
 ۴. پژوهش مقایسه‌ای درباره میزان سرمایه‌گذاری کشورهای مختلف به‌ویژه کشورهای توسعه‌یافته و کشور ایران در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای؛
 ۵. پژوهش درباره امکان اشتغال دانش‌آموختگان دانشگاه فنی و حرفه‌ای کشور در بازار کار کشورهای توسعه‌یافته؛
 ۶. پژوهش در زمینه روش‌ها و ابتکارات ارتقای قابلیت‌ها و مهارت‌های نرم و سخت و مهارت‌های شناختی و غیرشناختی دانشجویان و دانش‌آموختگان در رشته‌ها و مقاطع تحصیلی مختلف.

References

- Aamodt, P. O., & Havnes, A. (2008). Factors affecting professional job mastery: Quality of study or work experience. *Quality in Higher Education*, 14, 234-248.
- Australian Industry Group (2019). *Realising potential: Solving Australia's tertiary education challenge*. Sydney, Australia: AIG.
- Azevedo, A., Apfelthaler, G., & Hurst, D. (2012). Competency development in business graduates: An industry-driven approach for examining the alignment of undergraduate business education with industry requirements. *The International Journal of Management Education*, 10(1), 12-28.
- Barani, S., & Alibeigi, A.H. (2009). Analyzing the perceptions and expectations of agricultural students about the employability of agricultural fields in agricultural faculties in the west of the country. *Iranian Journal of Agricultural Economics and Development Research*, 3(2), 39-58 [in Persian].
- Beigdeli, M., Karamati, M.R., & Bazargan, A. (2012). Investigating the relationship between academic field and employment status of graduates of the faculty of Psychology and Educational Sciences of University of Tehran. *Quarterly Journal of Research & Planning in Higher Education*, 3(65), 111-131 [in Persian].
- Boden, R., & Nedeva, M. (2010). Employing discourse: Universities and graduate employability. *Journal of Education Policy*, 25(1), 37-54.
- Bridgstock, R., & Jackson, D. (2019). Strategic institutional approaches to graduate employability: Navigating meanings, measurements and what really matters. *Journal of Higher Education Policy and Management*, 41(5), 468-484.
- Briscoe, J.P., Henagan, S.C., Burton, J.P., & Murphy, W.M. (2012). Coping with an insecure employment environment: The differing roles of protean and boundary less career orientations. *Journal of Vocational Behavior*, 80(2), 308-316.
- Clark, H. (2013). A comprehensive framework for measuring skills gaps and determining work readiness. *Employment Relations Today*, 40(3), 1-11. <https://doi.org/10.1002/ert.21416>.
- Cortellazzo, L., Bonesso, S., & Gerli, F. (2019). Protean career orientation: Behavioral antecedents and employability outcomes. *Journal of Vocational Behavior*, 116, 1033-43.
- Cranmer, S. (2006). Enhancing graduate employability: Best intentions and mixed outcomes. *Studies in Higher Education*, 31(2), 169-184.
- Darvishan, A., Taslimi, M.S., & Hakimzadh, R. (2019). Designing a model of employability skills for higher education graduates (Case study: SMEs in Tehran Province). *Journal of Higher Education Curriculum Studies*, 19(10), 7-39 [in Persian].
- De Vos, A., & Soens, N. (2008). Protean attitude and career success: The mediating role of self-management. *Journal of Vocational Behavior*, 73(3), 449-456. DOI: 10.1016/j.jvb.2008.08.007.
- Entezari, Y. (2017). Higher education and employment capabilities of graduates. *Iranian Journal of Higher Education*, 2(8), 54-75 [in Persian].
- Etzkowitz, H. (2016). The entrepreneurial university: Vision and metrics. *Industry and Higher Education*, 30(2), 83-97.
- Hofstetter, H., & Rosenblatt, Z. (2017). Predicting protean and physical boundary less career attitudes by work importance and work alternatives: Regulatory focus mediation effects. *The International Journal of Human Resource Management*, 28(15), 2136-2158.
- Jackson, D., & Bridgstock, R. (2018). Evidencing student success in the contemporary world-of-work: Renewing our thinking. *Higher Education Research & Development*, 37(5), 984-998.
- Kalfa, S., & Taksa, L. (2015). Cultural capital in business higher education: Reconsidering the graduate attributes movement and the focus on employability. *Studies in Higher Education*, 40(4), 580-595.
- Korber, M., & Oesch, D. (2019). Vocational versus general education: Employment and earnings over the life course in Switzerland. *Advances in Life Course Research*, 40, 1-13.

- Lord, R., Lorimer, R., Babraj, J., & Richardson, A. (2019). The role of mock job interviews in enhancing sport students' employability skills: An example from the UK. *Journal of Hospitality, Leisure, Sport & Tourism Education*.
- MSRT (2019). Employment status of graduates of universities, research institutes and higher education centers in the country. Report, Office of Relation with Industry, October 2019 [in Persian].
- Naderi, M. K., Zoleikhaee, S., & Pouya, M. (2016). Employability of female university students: A new strategy for enhancing women's presence in the labor market. *Quarterly Journal of Research & Planning in Higher Education*, 4(78), 21-50 [in Persian].
- Por Atashi, M. (2018). Evaluating strengths and promoting methods employability of students in agricultural higher education. *Journal of Agricultural Education and Ministration Research*, Special Issue, Fall 2018 ,18-31 [in Persian].
- Pavlin, S., & Svetlik, I. (2014). Employability of higher education graduates in Europe. *International Journal of Manpower*, 35(4), 418-424.
- Rothwell, A., Jewell, S., & Hardie, M. (2009). Self-perceived employability: Investigating the responses of post-graduate students. *Journal of Vocational Behavior*, 75(2), 152-161.
- Salehi, Omran, E., & Rahmani, E. (2013). The issue of employment of higher education graduates and the need to pay attention to job-creating skills in the labor market in higher education planning. *Quarterly Journal of Higher Education*, 3(5), 27-58 [in Persian].
- Sepahvand, R., Solgi, Z. & Akbari, F. (2018). The impact of orientation and planning of varied career orientation on employability of graduates in higher education. *Quarterly Journal of Research & Planning in Higher Education*, 24(1), 71-90 [in Persian].
- Sharifi, F., Khorasai, A., Fathi, V.K., & Salehi, O.E. (2019). Determination of employability skills of academic graduates with exploratory mixed method approach. *Journal of Theory & Practice in Curriculum*, 7 (13), 29-52 [in Persian].
- Singh, G. K. G., & Singh, S. K. G. (2008). Malaysian graduates' employability skills. *UNITAR e-Journal*, 4(1), 15-45.
- Singh, P., Thambusamy, R., Ramly, A., Abdullah, I. H., & Mahmud, Z. (2013). Perception differential between employers and instructors on the importance of employability skills. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 90, 616-625. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2013.07.13>.
- Smith, M., Bell, K., Bennett, D., & McAlpine, A. (2018). *Employability in a global context: Evolving policy and practice in employability, work integrated learning, and career development learning*. Wollongong, Australia: Graduate Careers Australi.
- Tomlinson, M. (2012). Graduate employability: A review of conceptual and empirical themes. *Higher Education Policy*, 25, 407-431.
- Tsitskari, E., Goudas, M., Tsalouchou, E., & Michalopoulou, M. (2017). Employers' expectations of the employability skills needed in the sport and recreation environment. *Journal of Hospitality, Leisure, Sport & Tourism Education*, 20, 1-9.
- Walker, M., & McLean, M. (2013). *Professional education, capabilities and contributions to the public good: The role of universities in promoting human development*. London: Routledge.
- Walker, M. (2015). Employability and diverse student's opportunity sets. Seminar paper presented at the University of Bath, 8 June.
- Yorke, M. (2006). Employability in higher education: What it is - what it is not: *Higher Education Academy*.
- Yorke, M., & Knight, P. (2007). Evidence-informed pedagogy and the enhancement of student employability. *Teaching in Higher Education*, 12, 157-170.



◀ **دکتر رضا مهدی:** عضو هیأت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی و معاون فرهنگی و دانشجویی دانشگاه فنی و حرفه‌ای هستند. بیش از ۵۰ مقاله علمی در نشریات و کنفرانس‌های ملی و بین‌المللی داشته و مؤلف و مترجم ۱۰ عنوان کتاب و مجری بیش از ۱۰ طرح پژوهشی در زمینه آموزش عالی هستند.



◀ **احمد کیخا:** مدرک کارشناسی ارشد خود را در رشته برنامه‌ریزی آموزشی از دانشگاه علامه طباطبائی اخذ کردند و هم‌اکنون نیز دانشجوی دکتری اقتصاد و مدیریت مالی آموزش عالی در دانشگاه تهران هستند.